

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

حضرت زهرا علیها السلام

۹

مطالبه میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۹

۲۸ جمادی الأول ۱۴۳۱

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

پیشگفتار

قال الله تعالى في كتابه الكريم: ﴿لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً﴾^(۱).

خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیهای دیگران را اظهار کند، مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد، خداوند شنوا و دانا است.

در مجلس قبل وعده داده بودیم در حدّ توان خطبه، حضرت صدیقه زهرا علیها السلام را - که به خطبه «فدکیه» معروف است - مورد بحث قرار بدهیم؛ اما در طول این هفته که مکرّر به متن خطبه مراجعه کردم، در هر بار، روی کلمه‌ای از کلمات خطبه متوقف می‌شدم؛ چرا که این کلمات و سخنان، از زبان انسان مقدسی بیان شده که معدن وحی و گنجینه معرفت است و هر کلمه آن، شرح و تفسیر فراوانی می‌طلبد و من هم به خاطر وسواس ودقّتی که تفسیر کلمات وحی و اهل بیت وحی علیهم السلام می‌طلبد، فکر کردم اگر تفسیر آن را شروع کنم، حداقل سه جلد کتاب

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۸.

خواهد شد و از حوصله این جلسه خارج است اکنون که در آستانه شهادت آن حضرت علیه السلام قرار داریم، به نکات مهم دیگری می‌پردازیم.

زندگانی حضرت فاطمه علیه السلام با اینکه بسیار کوتاه و زود گذر بود، اما بسیار پر مغز و اثر گذار بود و بررسی و تحلیل آن به کاوشی با دقت نظر بالا و تأملی سرشار نیاز دارد. رسیدن به کنه وجودی حضرت فاطمه زهرا علیه السلام، در حقیقت آرزویی است که بسیاری از شیعیان دلباخته حضرت علیه السلام دارند؛ اما همان طور که گفته شد، این دریا چنان غواص خود را در پیچ و خم‌های امواج زندگی ایشان علیه السلام غوطه‌ور می‌سازد که غواص را مجبور می‌سازد به همان مقدار اندک بسنده کند و قلب خویش را به همان مروارید دلخوش سازد و توشه پُر بهای خویش را برای رفتن نزد الله آماده گرداند. خوشا به حال کسانی که از این دریا مرواریدهای بی شماری برچیده‌اند و به کنه وجودی حضرت علیه السلام دست یافته‌اند.

به حکم آیه‌ای که تلاوت شد:

﴿لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً﴾^(۱).

خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیهای دیگران را اظهار کند، مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد، خداوند شنوا و دانا است.

هر کس خود را محب و شیعه این خاندان علیه السلام می‌داند، هر کس خود را مسلمان می‌داند و به طور کل، هر انسان آزاده‌ای، باید از این ظلمی که بر نور چشم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم - حضرت فاطمه زهرا علیه السلام - روا داشته شده به حکم آیه

۱. همان.

شریف، ناله و فریاد سر دهد.

داستان این ظلم و عمق فاجعه‌ای که این روزها در مدینه رخ داده، در درک ما نمی‌گنجد؛ ولی نشانه‌ها و علائمی وجود دارد که می‌توان کمی از عظمت و عمق این فاجعه را دریافت.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، أصبر الصابرين

«صبر» یکی از خصوصیت‌های است که همه انسان‌ها باید دارا باشند. در آیات شریف قرآن مجید و کلمات حضرات معصومین علیهم السلام نیز به صبر کردن در مقابل سختی‌های زندگی توصیه و تأکید شده است. افراد مختلف به لحاظ این صفت در رتبه‌های متفاوتی قرار دارند، برخی در برابر شدايد تحمل کمتر و بعضی صبر بیشتری دارند. وجود مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام تنها کسی است که در عالم به صفت «أصبر الصابرين» (کسی که بالاترین مرتبه صبر را دارد) معروف است. این وصف در چندین مورد از زبان خود امام علیه السلام و در بیان دیگر ائمه علیهم السلام وارد شده است؛ برای مثال:

الف. حضرت امام سجاد علیه السلام در خطبه معروفی که در مسجد اموی - در شام - ایراد فرمودند، ضمن معرفی خودشان این طور می‌فرمایند:

«أَيُّهَا النَّاسُ! أنا ابن مكة ونا، أنا ابن زمزم والصفاء... أنا ابن علي المرتضى علیه السلام... وهاجر الهجرتين وباع البيعتين... يعسوب المسلمين، نور المجاهدين، زين العابدين، تاج البكّائين وأصبر الصابرين»^(۱).

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۵ صفحه ۱۳۸.

ای مردم! بدانید که من زادهٔ مکه و منایم، من زاده زمزم و صفایم...، من پسر علی مرتضایم... آن علی علیه السلام که دو بار هجرت کرد و دو بار بیعت نمود... پیشوای مسلمانان، و نور مجاهدان، زینت و افتخار عبادت پیشه کنندگان، تاج و سرآمد گریه کنندگان و صبورترین صبر کنندگان.

حضرت امام سجاد علیه السلام در توصیف و معرفی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، ایشان علیه السلام را به صفت «أصبر الصابرين» متصف کردند.

ب. ابن عباس - که پسر عمو و شاگرد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است - در پاسخ به پرسش یک اعرابی در مورد شخصیت حضرت علیه السلام می‌گوید:

«لقد سألت يا أعرابي! عن رجلٍ عظيمٍ، يحبُّ اللهَ ورسولَهُ ويُحِبُّهُ اللهُ ورسولَهُ، ذلك والله صالحُ المؤمنين، وخير الوصيين، وقامعُ الملحدين، وركن المسلمين ويعسوب المؤمنين... رئيس البكائين وأصبر الصابرين»^(۱).

ای اعرابی! از مرد بزرگی سؤال کردی که خداوند و رسولش را دوست می‌دارد و خدا و رسولش ایشان علیه السلام را دوست می‌دارند، به خدا قسم! ایشان علیه السلام شایسته‌ترین فرد ایمان آورندگان و بهترین جانشین است، کسی که کافران و ملحدان را ریشه کن کرد، ستون محکمی که مسلمانان بر آن تکیه و پناه می‌برند و پیشوای مؤمنان...، سرآمد گریه کنندگان و صبورترین صبر کنندگان.

۱. نهج السعادة، جلد ۸ صفحه ۳۸ و خلاصه عبقات الأنوار، جلد ۴ صفحه ۳۲۸.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سه جا از نهج البلاغه، در مورد صبر خود سخنانی بیان فرموده‌اند:

۱. در خطبه معروف شقشقیة آمده است:

« فصبرتُ وفي العين قذى وفي الحلقِ شجا »^(۱).

پس صبر کردم در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو من مانده بود.

شایسته یادآوری است که در کلام معصوم علیه السلام، غلو و اغراق یا زیاده‌گویی و پرگویی وجود ندارد؛ بلکه هر چه می‌گویند عین حق است و حقیقت دارد. آیا صبری این گونه، در عالم وجود دارد؟

۲. حضرت علیه السلام در خطبه مفصل دیگری در نهج البلاغه می‌فرمایند:

« اللهم إني أستعديك على قریش ومن أعانهم ، فإنهم قد قطعوا رحمي وأكفروا إنائي وأجمعوا على منازعتي حقاً كنت أولى به من غيري ... فنظرتُ فإذا ليس لي رافد ولا ذابُّ ولا مساعدٌ إلا أهل بيتي ، فضننت بهم عن المنية ، فأغضيتُ على القذى وجرعت ريقی علی الشجا ، وصبرت من كظم الغيظ على أمر من العلقم وآلم للقلب من وخز الشفار »^(۲).

خدایا! برای پیروزی بر قریش و یارانش، از تو کمک می‌خواهم که آنان پیوند خویشاوندی مرا بریدند و کار مرا دگرگون کردند و همگی برای مبارزه با من در حقی که از همه آنان سزاوارترم متحد

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۷.

گردیدند... به اطرافم نگریستم، دیدم که نه یآوری دارم و نه کسی که از من دفاع و حمایت کند، جز خانواده‌ام که مایل نبودم جانشان به خطر افتد، پس خار در چشم، دیده بر هم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود، جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو خوردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناک تر از فرو رفتن تیزی شمشیر در دل بود، شکیبایی کردم.

۳. ایشان علیه السلام در خطبه دیگری می‌فرمایند:

« فنظرت فإذا ليس لي معين إلا أهل بيتي، فضننت بهم عن الموت و أغضيت على القذى و شربت على الشَّجَا و صبرت على أخذ الكظم و على أمرٍ من طعم العلقم»^(۱).

پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یآوری جز اهل بیت خود علیهم السلام ندیدم، پس به مرگ آنان رضایت ندادم. چشم پر از خار و خاشاک را ناچار فرو بستم و با گلویی که استخوان شکسته در آن گیر کرده بود، جام تلخ حوادث را نوشیدم و خشم خویش فرو خوردم و بر نوشیدن جام تلخ تر از گیاه حنظل، شکیبایی نمودم.

در این خطبه نیز، تعبیری شبیه عبارت گذشته بیان شده است: «قذى» عبارت است از خاری که در چشم فرو رود^(۲). «علقم» عبارت است از هر چیز تلخ؛ که همان هندوانه ابوجهل است^(۳).

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

۲. لسان العرب، جلد ۱۵ صفحه ۱۷۲.

۳. لسان العرب، جلد ۱۲ صفحه ۴۲۲.

حضرت علیه السلام در همه مسائل، در جنگ‌ها، در سختی‌ها و در تمام ناملایمات صبور بودند؛ کسی که تاریخ در وصف زره او چنین نوشته است: زره حضرت علیه السلام پشت نداشت^(۱). وقتی ایشان علیه السلام به خواستگاری حضرت زهرا علیها السلام رفتند، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از ایشان سؤال کردند: علی جان! چه داری؟ عرض کردند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم! یک شمشیر، یک زره و یک شتر دارم. حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: شتر که برای تأمین زندگی تو است، شمشیر و سپر را هم که برای جنگ لازم داری پس زره را که لازم نداری، بفروش^(۲).

نکته بسیار مهم این است، مردی که در مقابل همه دشواری‌ها و ناملایمات موفق بود و ایستادگی می‌کرد، در لیلۃ المبیت^(۳)، با وجود اینکه می‌دانستند طوایف مختلف قریش قسم یاد کرده‌اند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به شهادت برسانند، در آن شب حساس بدون هیچ گونه واهمه و تردید، با شجاعت تمام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خوابیدند.

اما همان انسان با عظمت که این‌طور خودش را توصیف می‌فرماید و امام زین العابدین علیه السلام نیز او را «أصبر الصابرين» می‌نامند، در آن شبی که حضرت زهرا علیها السلام را به خاک می‌سپارد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَرَقَّ عَنْهَا تَجَلْدِي... فَبِعَيْنِ اللَّهِ تَدْفِنُ ابْنَتَكَ سِرًّا»^(۴).

۱. شرح احقاق الحق، جلد ۸ صفحه ۳۲۵، و از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق، جلد ۲ صفحه ۳۶۳.

۲. دلائل الإمامه، صفحه ۸۴.

۳. ابن ابی الحدید (شرح نهج البلاغه)، جلد ۱۳ صفحه ۲۶۱ و تفسیر فخر رازی، جلد ۵ صفحه ۲۳۱.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۲ و کافی، جلد ۱ صفحه ۴۵۹.

ای رسول خدا ﷺ! در فقدان دختر نازنینت، شکیبایی از دستم رفته و توان خویشتن داری ندارم... در منظر خدا، فرزند شما مخفیانه به خاک سپرده می شود.

کسی که به «اصبر الصابرين» متصف است، کسی که در مقابل همه نامالایمات مقاومت می کند، کسی که یک تنه در واقعه احد از جان رسول الله ﷺ محافظت کرده و تیرها، شمشیرها و نیزه ها را به جان خریده است، در مثل این شبها می گوید: «یا رسول الله ﷺ! صبر علی ﷺ دیگر تمام شد، علی ﷺ دیگر طاقت ندارد». چه اتفاقی افتاد که حضرت امیرالمؤمنین ﷺ می گویند: یا رسول الله ﷺ! خدا شاهد و ناظر است که در دل شب، دختری را شبانه به خاک می سپارم؟! چه اتفاقی افتاد، حوادث تاریخ چگونه روی داد، سرعت حوادث چگونه بود که به فاصله هفتاد و چند روز، آن جمعیت عظیمی که در روز غدیر خم، دست بیعت با حضرت امیرالمؤمنین ﷺ داده بودند و هلهله می کشیدند، یکباره عوض شدند؟! چرا باید دختر پیامبر ﷺ و همسر علی بن ابی طالب ﷺ بعد از شهادتشان، پنهانی و شبانه به خاک سپرده شوند؟! آیا واقعاً می شود از این حوادث اغماض و چشم پوشی کرد؟! آیا هیچ انسان شیعه، هیچ انسان مسلمان، هیچ انسان آزاده ای توان چشم پوشی از این فاجعه و حادثه را دارد؟!!

هرگز نمی توان نسبت به ظلمی که به حریم رسول الله ﷺ و ظلمی که به ناموس پیغمبر ﷺ وارد شد، سکوت اختیار نمود و دم فروبست، جنایاتی که باعث شد حضرت صدیقه ﷺ وصیت کنند که شبانه به خاک سپرده شوند و کسانی که حقوق ایشان و همسرشان ﷺ را تضییع کردند، در مراسم تشییع و

نماز و تدفین‌شان حضور نداشته باشند.

به نظر می‌رسد، سکوت در مقابل این ظلم‌ها و جنایاتی که تاریخ با همه‌
خستگی که به خرج داده، با همه‌ مضیقه‌ای که در تاریخ نویسی بوده، با همه‌
تاریکی‌هایی که در صدر اسلام وجود داشته، اما این قضایا را ثبت کرده، به معنای
مشارکت در ظلم ظالمان به حضرت فاطمه اطهر علیها السلام است. اگر هر انسان آزاده‌ای
سکوت کند، در این جرایم شریک است و دست او به خون حضرت فاطمه
زهرا علیها السلام آلوده است^(۱).

شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام در جای جای زندگی کوتاه‌شان، سخنان و رفتارهایی از خود
بر جای گذاشتند که همه و همه نشان دهنده شخصیت والای ایشان علیها السلام است و
قدم گذاشتن در این وادی، همتی والا و زمانی طولانی می‌خواهد که در این جلسه
نمی‌گنجد. یکی از این مسائلی که حتماً باید مورد بررسی قرار گیرد، وقایعی است
که به شهادت ایشان علیها السلام منجر شد.

برای درک عمق فاجعه‌ای که به شهادت حضرت زهرا علیها السلام انجامید، لازم
است گوشه‌ای از شخصیت این بانوی بزرگ علیها السلام را در حدّ توان و فهم خودمان

۱. از خدا می‌خواهیم همه ما را یاری کند که ما شریک در این ظلم‌ها نباشیم و بتوانیم به
گونه‌ای احقاق حق فاطمه اطهر علیها السلام را بکنیم. واقعاً عمق این فجایع قابل درک نیست. در
یک فاصله کوتاه از روز غدیر تا زمانی که در سقیفه جمع شدند و همان روز در خانه
حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام آمدند و در خانه را شکستند و به آتش
کشیدند چند روز فاصله است؟! دقیقاً تا روز اول ربیع که اولین جنایت منعقد می‌شود: ۷۲
روز بیشتر فاصله نیست.

بیان نماییم. برای این منظور، احادیثی که شیعه و اهل سنت آن را نقل نموده‌اند، بیان می‌نماییم:

حدیث اول

«أول شخصٍ يدخل الجنة، فاطمة بنت محمد ﷺ» (۱).

نخستین فردی که وارد بهشت می‌شود، حضرت فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

حلقه نهایی روایت فوق ابو هریره است که جایگاه والایی نزد اهل سنت دارد.

حدیث دوم

«تُحشر ابنتي فاطمة علیها السلام وعلیها حُلَّة الكرامة قد عجت بماء الحيوان، فينظر الخلائق إليها فيتعجبون منها وتكسي أيضاً ألف حُلَّة من حلل الجنة مكتوب على كل حُلَّة منها بخط أخضر، أدخلوا ابنة نبيي الجنة على أحسن صورة وأحسن الكرامة وأحسن المنظر، فتزف كما تزف العروس وتتوج بتاج العزّ ويكون معها سبعون ألف جارية» (۲).

دخترم فاطمه علیها السلام در روز قیامت محشور می‌شود، در حالی که لباسهایی از کرامت پوشیده‌اند که با آب حیات معجون شده است، پس همه خلق ایشان صلی الله علیه و آله و سلم او را مشاهده می‌کنند و از دیدن ایشان، انگشت حیرت بر دهان می‌گزند، همچنین می‌پوشانند بر

۱. از منابع اهل سنت: کنز العمال، جلد ۱۲ صفحه ۱۱۰، لسان المیزان، جلد ۲ صفحه ۶۱۸ و میزان الاعتدال، جلد ۲ صفحه ۶۱۸.
۲. تاریخ مدینه دمشق، جلد ۱۳ صفحه ۳۳۴.

دختر پیامبر ﷺ هزاران حله و پارچه‌ای^(۱) که روی هر کدام از آنها با خط سبز نوشته شده: دختر پیامبر ﷺ را به بهترین صورت و به والاترین کرامت و نهایت اکرام و احترام و به زیباترین شکل وارد بهشت نمایید. و ایشان ﷺ را چنان که عروس را وارد حجله می‌کنند، وارد بهشت می‌کنند و بر سر مبارکشان تاجی از جنس عزت و بزرگواری می‌گذارند و همراه ایشان ﷺ هفتاد هزار کنیز بهشتی خواهد بود.

دستور از ناحیه خداوند است که حضرت فاطمه ﷺ را این گونه وارد بهشت کنید، با سه ویژگی، آن هم با سه فعل تفضیل، همان گونه که عروس را وارد حجله می‌کنند و تاج عزت بر سر مبارکشان می‌گذارند.

روایت سوم

« إذا استقر أولياء الله في الجنة، زارك آدم و من دونه النبيين ﷺ »^(۲).

آن گاه که اولیای الهی در بهشت جای می‌گیرند، آدم و تمام انبیای پس از ایشان ﷺ به زیارت شما خواهند آمد.

این روایت در تفسیر فرات کوفی؛ (یکی از تفاسیر قدیمی شیعه) نقل شده است که به علت طولانی بودن، بخشی از روایت را آوردیم.

واقعاً جای فکر و تأمل دارد که خداوند با اینکه وجودی بالاتر از پیامبر

۱. وقتی می‌خواهند عروس‌ها را خیلی آرایش کنند لباسهای متعدد و تورهای متعدد و لایه لایه را به او می‌پوشانند و افتخار می‌کنند که تور چند لایه بود.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۳ صفحه ۲۲۷.

اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در عالم خلقت، خلق نکرده است، دخترشان عَلِيَّةَ را بر ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ورود به بهشت مقدّم می‌دارد، آن هم با آن کیفیتی که تفصیل آن در حدیث قبل گذشت. این روایات، عظمت و بزرگواری این شخصیت عَلِيَّةَ را می‌رساند که انبیا و اولیا عَلِيَّةَ و شخصیت‌های بزرگ عالم خلقت، از آدم عَلِيَّةَ تا خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همه در صف انتظار قرار می‌گیرند، تا حضرت زهرا عَلِيَّةَ را ملاقات و زیارت کنند. واقعاً یک انسان چقدر باید شخصیت و کمال پیدا کند که درجه او از تمام خلقت بالاتر رود! قلم چون به وصف این بانو عَلِيَّةَ می‌رسد درمی‌ماند و افکار و عقول از درک وی در مانده می‌شود و کسی جز خدا شایسته وصف ایشان عَلِيَّةَ نیست.

عالم غیب؛ عالم غلبه باطن بر ظاهر

دریافت و فهم خصوصیات و ویژگی‌های عالم آخرت (ملکوت)، امر مشکلی است و درک آن محتاج دستگیری وحی و کلمات ائمه هدی عَلِيَّةَ از عقول ماست. با توجه به آیات قرآن و بیان حاملان و مفسران وحی عَلِيَّةَ به این نتیجه می‌رسیم که عالم ملکوت با عالم ماده کاملاً متفاوت است. این دنیا، عالم مُلک، و جهان آخرت، عالم ملکوت است. این عالم، عالم غلبه مادیات بر معنویات؛ ظاهر بر باطن، (غیب) و صورت بر سیرت است. این عالم به گونه‌ای است که نمی‌توانیم سیرت‌ها را تشخیص بدهیم.

انسانیت هر انسان، بلکه حقیقت وجود هر موجودی به سرّ، باطن و ضمیرش بستگی دارد.

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَىٰ»^(۱).

به درستی که اعمال را با نیت می‌سنجند و هر شخصی در گرو نیت خویش است.

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَىٰ نِيَّتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^(۲).

خداوند در روز قیامت مردم را بر اساس نیت‌هایشان محشور می‌کند.

توضیح مطلب اینکه اگر کسی مثلاً هفتاد سال عمر و پنجاه سال هم گناه کرده است، چرا باید جاودان در عذاب باشد؟ همچنین مثلاً یک فردی شصت سال عمر یا هفتاد سال عمر کرده و در همه عمرش هم خوب بوده است چرا باید تا آخر خلود در بهشت داشته باشد؟ بلکه باید هر شخص به اندازه عمر گناهش عذاب بکشد یا به اندازه عمر ثوابش جزا داده شود.

جواب اینکه: مردم بر اساس ضمائر و به اندازه همان باطن‌ها و نیت‌هایشان جزا می‌بینند؛ لذا وقتی به عالم می‌نگریم، همه شکل‌ها و صورت‌ها به هم شبیه است و فقط مختصر تفاوت‌هایی وجود دارد. صورت و شاکله ظاهر انسان‌ها نسبت به هم تفاوت جدی ندارد؛ اما ممکن است چهره‌ای که در ظاهر زیبا و دوست داشتنی است یک درنده و گرگ باشد! علم و اطلاع نسبت به ملکوت و باطن همه در اختیار خداوند سبحان است.

در قرآن کریم آمده است:

۱. بحار الأنوار، جلد ۶۷ صفحه ۲۱۱.

۲. محاسن، جلد ۱ صفحه ۲۶۲.

﴿سُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ﴾^(۱).

منزه است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست او است.

همه اسرار و سرائر، تحت سلطه پروردگار و خالق جهانیان است و او تنها کسی است که هیچ چیزی از علم او غایب نمی‌شود و علم او بر تمام ذرات عالم، دائم و باقی است. حقایق این عالم از چشم‌ها مخفی و مستور است و ما باطن همه چیز را نمی‌دانیم؛ اما عالم آخرت بر عکس است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾^(۲).

در آن روز که زمین به زمین دیگر و آسمان‌ها [به آسمان‌های دیگری] مبدل می‌شود و آن‌گاه در پیشگاه خداوند واحد قهار، ظاهر می‌گردند.

این آسمان‌ها و زمینی که الآن می‌بینید، ملکوت آن‌ها به این صورت نخواهد بود. امروز زمین ساکت، آرام، رازدار و ساتر است؛ اما در روز قیامت به همین زمین خطاب می‌شود و به نطق درمی‌آید و در مقابل پروردگار تجلی می‌کند و آنچه پشت چهره خود پنهان کرده است، نشان می‌دهد. قواعدی که بر دنیای دیروز حاکم بود، تغییر خواهند کرد. آن کس که در دنیای دیروز بر مردم حکمرانی می‌کرد، امروز زیر پای مردم مانند مورچه له خواهد شد و کسی که در نظر مردم، خوار و ذلیل بود، امروز او را بزرگ می‌یابند. ثروتمند دیروز، نیازمند امروز است.

۱. سوره یس، آیه ۸۳.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۴۸.

معیارها و ارزش‌ها تغییر می‌یابد. خلاصه سخن آنکه، در عالم ملکوت کسی ثروتمند است که در دنیا با نیت درست عمل کرده باشد.

روایات متعددی داریم که در آن روز، زمین هم به نفع یا علیه انسان شهادت خواهد داد^(۱). همین دست و پا و اعضا و جوارح ما که سخن نمی‌گویند، در روز قیامت به نطق درخواهند آمد.

﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^(۲).

امروز بر دهانشان مهر می‌نهم و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان بر کاری که انجام می‌دادند شهادت می‌دهند.

۱۷

روز قیامت بر این دهان‌ها مهر می‌زنیم، زبان دروغ می‌گوید؛ اما به دست‌ها می‌گویند حرف بزنی، به پاهای می‌گویند حرف بزنی، آن وقت است که انسان‌ها به اعضای بدن خود اعتراض می‌کنند که چرا علیه ما شهادت می‌دهید؟ چرا ما را رسوا می‌کنید؟ شما که اعضای ما هستید، ما یک عمر با شما زندگی کردیم، در طول عمر شما همراه ما بودید و به اراده ما حرکت می‌کردید و به اراده ما ساکن بودید، چرا الان همراهی نمی‌کنید و ما را از یاد برده‌اید؟ مگر نمی‌دانید که این شهادت به ضرر شما هم خواهد بود؟! آن وقت است که این اعضا جواب می‌دهند:

﴿أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾^(۳).

همان خدایی که هر موجودی را به نطق در آورده، ما را گویا ساخته است.

۱. وسایل الشیعه، جلد ۵ صفحه ۱۸۶.

۲. سوره یس، آیه ۱۵.

۳. سوره فصلت، آیه ۲۱.

ما امانت‌های خدا در دست شما بودیم؛ ولی شما امانتدار بدی بودید!
لذا صورت‌ها را می‌بینید بدون اینکه تکلم کنند، با زبان بی زبانی صاحب خود
را معرفی می‌کنند:

﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ
بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَانظُرُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾^(۱).

[آن عذاب عظیم] روزی خواهد بود که چهره‌هایی سفید و
چهره‌هایی سیاه می‌گردند؛ اما آنها که صورت‌هایشان سیاه شده
[به آنها گفته می‌شود] آیا بعد از ایمان [واخوت و برادری در سایه
آن] کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را به سبب آنچه کفر
می‌ورزیدید.

در روز قیامت چهره‌هایی را می‌بینید که نورانی‌اند، همچنین چهره‌هایی می‌بینید
که همه تیره و سیاه‌اند، این چهره‌های ظلمانی کسانی هستند که خداوند به اینها
می‌گوید: این به خاطر این است که اول ایمان آوردید؛ اما سپس کافر شدید.
در آیه دیگری آمده است:

﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي
جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾^(۲).

روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می‌بینی که
صورت‌هایشان سیاه است، آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران
نیست؟

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۶.

۲. سوره زمر، آیه ۶۰.

بر اساس این آیات صورت افراد، باطن را به نمایش می‌گذارند و آن را آشکار می‌کنند.

آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد. قرآن چگونگی آشکار شدن حقایق، در آن عالم را به خوبی ترسیم کرده و شنونده را در آن فضا قرار می‌دهد. در آن عالم، دادگاه عدل الهی بر پا است و تفاوت‌های اساسی با محاکم این عالم دارد؛ زیرا در این عالم برای مجرم امکان فرار وجود دارد؛ ممکن است قاضی را راضی کند؛ ممکن است رأی دادگاه اشتباه باشد؛ ممکن است...؛ اما در دادگاه و محکمه الهی هیچ یک از این موارد وجود ندارد؛ زیرا:

«إِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ»^(۱).

همان که گواه است، داوری می‌کند.

خدایی که بر اسرار، ضمائم و خفایا عالم است، اندرون را آشکار می‌کند و دیگر راهی و جایی برای انکار مجرم باقی نمی‌ماند^(۲).

چهره مؤمنان

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که چهره مؤمنان در عالم ملکوت را به تصویر می‌کشد. به چند آیه در این زمینه اشاره می‌نماییم.

﴿تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ﴾^(۳).

۱. نهج البلاغه، کلمات ۳۲۴.

۲. مانند اینکه از صحنه قتل یک نفر فیلم برداری شده باشد. اگر قاتل فردا در دادگاه منکر شود، فیلم را به او نشان می‌دهند و می‌گویند: چه چیزی را می‌خواهی انکار کنی؟

۳. سوره مطففین، آیه ۲۴.

در چهره‌هایشان طراوت و نشاط نعمت را می‌بینی و می‌شناسی .

﴿وَجُوهٌ يُّومِنِينَ نَّاعِمَةٌ﴾^(۱) .

چهره‌هایی در آن روز شاداب و با طراوت هستند .

﴿وَجُوهٌ يُّومِنِينَ مُسْفِرَةٌ﴾^(۲) .

چهره‌هایی در آن روز گشاده و نورانی است .

﴿وَجُوهٌ يُّومِنِينَ نَّاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَّاظِرَةٌ﴾^(۳) .

آری! در آن روز صورت‌هایی شاداب و مسرور است * و به پروردگارش می‌نگرد .

این تعبیرها در قرآن نسبت به مؤمنان آمده است . مؤمنان کسانی هستند که طراوت و تازگی از وجودشان می‌بارد و حزن و ترسی ندارند . در آن عالم ، باطل می‌میرد و حقیقت جلوه می‌کند؛ اما در این عالم ، حق و باطل با هم مخلوط هستند؛ لذا باطل غلبه می‌کند؛ اما در آن عالم ، هر چه هست حق و حقیقت است .

اکنون با توجه به این مطالب و مقدمه‌ای که گفته شد ، به کیفیت ورود به بهشت و اقامت حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در آنجا می‌پردازیم .

سخنان رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رابطه با عظمت و جایگاه ویژه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ ، ناشی از عاطفه و رابطه پدری و فرزندی نیست زیرا پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرزندان دیگری هم داشتند؛ اما از هیچ کدام به این صورت سخن به میان نیاورده‌اند . این بیان ،

۱ . سوره غاشیه ، آیه ۸ .

۲ . سوره عبس ، آیه ۳۸ .

۳ . سوره قیامت ، آیه ۲۲ - ۲۳ .

محاسبه نظام عدل در آفرینش است. نمی‌شود کسی «علی أحسن الصورة»، «علی أحسن المنظر» و «علی أحسن الكرامة» ظاهر بشود؛ اما باطن و عمل او بهترین باطن و نیک‌ترین عمل نباشد. کسی که حشرش بر بهترین شکل است، باطنش نیز در این عالم بهترین باطن است. کسی که در آن عالم، نخستین فردی است که به بهشت می‌رود، در این دنیا هم برترین عابد است. کسی که در بهشت، انبیا علیهم‌السلام در صف می‌ایستند تا ایشان علیهم‌السلام را زیارت کنند، معلوم می‌شود که عبودیت و معرفت ایشان علیهم‌السلام نسبت به خداوند از همه انبیا علیهم‌السلام بیشتر است. اینها همه نکاتی هستند که با استفاده از آیات کریم، به آنها می‌رسیم. در آیه‌ای دیگر آمده است:

۲۱

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾^(۱).

پس هر کس به وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند * و هر کس به وزن ذره‌ای کار بد انجام دهد آن را می‌بیند.

در آیه دیگری از قول لقمان آمده است:

﴿يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ حَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾^(۲).

پس! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی [کار نیک] انجام دهد و در دل سنگی یا در گوشه‌ای از آسمان‌ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را در قیامت برای حساب می‌آورد، خداوند دقیق و آگاه است.

۱. سوره زلزله، آیه ۷-۸.

۲. سوره لقمان، آیه ۱۶.

بر اساس این آیات شریف هر چه در این جهان انجام دهیم، اثر آن را در جهان آخرت خواهیم دید. این‌ها همه نکته‌هایی است که نشان از عظمت حضرت فاطمه علیها السلام و مقام قدسی ایشان علیها السلام دارد؛ نه یک سخن عاطفی از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؛ مثلاً پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در قیامت به دخترشان بگویند: شما اول بفرمایید یا خداوند تعارف کند، لباس‌های مخصوصی برای حضرت زهرا علیها السلام بفرستد، هرگز این‌طور نیست! جزا و پاداش افراد در آخرت، متناسب با رفتاری است که در دنیا داشته‌اند و این به حکم تناسب بین عالم ملک و عالم ملکوت است.

در این دنیا هم رفتار ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به حضرت فاطمه علیها السلام، تنها بر اساس احساسات و عواطف نبود.

در روایتی که اهل سنت نیز آن را نقل کرده‌اند آمده است، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا علیها السلام را بسیار می‌بوسیدند، عایشه، ایشان صلی الله علیه و آله و سلم را سرزنش کرد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! تو فاطمه علیها السلام را زیاد می‌بوسی. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ چنین فرمودند:

«لَمَّا أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ، أُدْخِلَتِ الْجَنَّةَ فَوَقَعَتْ عَلَيَّ شَجْرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ، لَمْ أَرْ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنَ مِنْهَا وَلَا أَبْيَضَ وَرَقًا وَلَا أَطْيَبَ ثَمَرَةً، فَتَنَاوَلْتُ ثَمَرَةً مِنْ ثَمَرَاتِهَا فَأَكَلْتُهَا فَصَارَتْ نَظْفَةً فِي صَلْبِي، فَلَمَّا هَبَّتْ إِلَى الْأَرْضِ، وَاقَعَتْ خَدِيجَةَ علیها السلام، فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ علیها السلام. فَإِذَا أَنَا اشْتَقْتُ إِلَى رِيحِ الْجَنَّةِ، شَمَمْتُ رِيحَ فَاطِمَةَ علیها السلام»^(۱).

۱. بحارالانوار، جلد ۱۸ صفحه ۳۱۵ و از منابع اهل سنت: الدر المنثور جلد ۴ صفحه ۱۵۳ و المعجم الكبير جلد ۲۲ صفحه ۴۰۱ بیان کامل این روایت را در کتاب در دانه خلقت، رفتار امت صفحه ۱۳، تألیف حضرت آیه الله یشربی می‌یابید.

در معراج وقتی مرا به بهشت وارد کردند، از میان درختان بهشت به درختی برخورد کردم که به نیکویی آن و درخشش برگ‌ها و پاکیزگی میوه‌هایش در بهشت ندیده بودم! از میوه آن خوردم، پس به نطفه‌ای تبدیل گردید و بعد از بازگشت، در رحم خدیجه علیها السلام قرار گرفت و ایشان به فاطمه علیها السلام باردار شد، پس هرگاه مشتاق بوی بهشت می‌شوم، بوی فاطمه علیها السلام را استشمام می‌کنم.

پیامبری که سید الملائکه جبرائیل علیه السلام، غبار قدمشان را به چشم می‌کشد و می‌بوسد، این پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دخترش را می‌بوسد. این مقام فاطمه اطهره علیها السلام است. ورود ایشان علیها السلام به محشر و بهشت این چنین است. همه و همه به خاطر ویژگی‌هایی است که در این مدّت کوتاه عمر، به عنایت خداوند به ایشان علیها السلام داده شده است و خودشان نیز به دست آورده و آن را کمال بخشیده‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمودند:

«فاطمة بضعة منی فمن أغضبها أغضبتی»^(۱).

فاطمه علیها السلام پاره وجود من است، کسی که ایشان علیها السلام را خشمگین کند مرا خشمگین کرده است.

همه ما می‌گوییم فرزندانمان پاره تن ما هستند؛ اما معنی دقیق سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیست؟ تمام ویژگی‌هایی که یک پدر و مادر دارند، بخش عظیمی از آن به فرزند منتقل می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه ویژگی‌ها و چه خصوصیتی داشتند؟ خداوند سبحان، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد:

۱. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۲۱۰.

﴿ طه * مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴾^(۱).

طه * ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که به زحمت افتی.

خداوند به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: ما قرآن را نازل نکردیم که تمام وقت عبادت کنی و خود را به مشقت بیندازی؛ زیرا هنگامی که دستور عبادت و نماز شب آمد، پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تمام شب را بیدار می‌ماندند و عبادت می‌کردند، آن‌گاه دستور آمد:

﴿ يَا أَيُّهَا الْمَرْمِلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا *
أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴾^(۲).

ای جامه به خود پیچیده! شب را به جز کمی به پا خیز * نیمی از شب یا کمی از آن را کم کن یا بر نصف آن بیفز و قرآن را با دقت و تأمل بخوان.

این ویژگی‌ها (یعنی عبادت فراوان) به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نیز منتقل شد. وقتی قرآن به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گوید: «ما قرآن را نازل نکردیم که خودت را به سختی بیندازی» به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نیز همین را می‌گوید.

حسن بصری^(۳) درباره عبادت حضرت صدیقه عَلَيْهَا السَّلَام می‌گوید:

«ماکان فی هذه الأمة أعبد من فاطمة عَلَيْهَا السَّلَام، کانت تقوم [فی محرابها] حتی تورم قدماها»^(۴).

۱. سوره طه، آیه ۱-۲.

۲. سوره مزمّل، آیه ۱-۴.

۳. حسن بصری؛ وی رئیس مذهب قدریه است و همیشه دنبال ریاست بود و ازیاری امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام امتناع نمود و خود را از زاهدان و عادلان جلوه می‌داد (قاموس الرجال، جلد ۳ صفحه ۱۹۸).

۴. مناقب آل ابی طالب، جلد ۳ صفحه ۱۱۹.

در این امت کسی عابدتر از فاطمه زهرا علیها السلام نبود، ایشان علیها السلام آنقدر به عبادت می ایستادند که پاهایشان متورم می گردید.

در روایتی از اهل سنت نقل شده است:

« دخل رسول الله صلى الله عليه وسلم على فاطمة و تطحن بالرحي و عليها كساء من حملة الإبل ، فلما نظر إليها قال : يا فاطمة علیها السلام ! تعجلی فتجرّعي مرارة الدنيا لنعيم الآخرة غداً »^(۱).

روزی رسول الله صلى الله عليه وسلم بر حضرت زهرا علیها السلام وارد شدند و ایشان علیها السلام را در حال آسیاب کردن دیدند و لباس ایشان علیها السلام تن پوشی از پوست شتر بود، هنگامی که رسول الله صلى الله عليه وسلم ایشان را دیدند، فرمودند: امروز این سختی ها را تحمل کن، فردا نعمت های اخروی را درمی یابی.

در بعضی از روایات آمده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم در این هنگام اشک ریختند. وقتی حضرت صلى الله عليه وسلم این منظره را دیدند، با زبان دلداری به دخترشان بشارت دادند: « امروز این سختی ها را تحمل کن، فردا نعمت های اخروی و بهشتی را درمی یابی ».

خداوند نیز این منظره ها را می بیند و این آیه نازل می شود:

﴿ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى ﴾^(۲).

به زودی پروردگارت آنقدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی.

۱. در المنثور، جلد ۶ صفحه ۳۶۱ و فتح القدير، جلد ۵ صفحه ۴۶.

۲. سورة الضحی، آیه ۵.

سلمان رضی الله عنه می‌گوید: «وارد خانه حضرت فاطمه علیها السلام شدم، دیدم صدای گریه حضرت امام حسین علیه السلام بلند است و حضرت فاطمه علیها السلام مشغول آسیاب کردن هستند. عرض کردم: خانم! اجازه بدهید من بچه را نگه دارم که گریه نکند. فرمودند: من بچه را نگه می‌دارم، تو اگر می‌خواهی، آسیاب کن. سلمان می‌گوید: وقتی خواستم آسیاب کنم، دیدم دسته دستاس خون آلود بود»^(۱).

یک اتهام ناروا به حضرت صدیقه کبری علیها السلام

توجه به شکل زندگی حضرت زهرا علیها السلام، رویکرد ایشان علیها السلام را نسبت به مسائل مادی نشان می‌دهد. مع الأسف اخیراً زمزمه‌هایی از سوی رسانه‌های اهل سنت به گوش می‌رسد که با حقیقت وجودی حضرت زهرا علیها السلام در تضاد است. با توجه به معرفتی که آموزه‌های دینی در مورد شخصیت حضرت زهرا علیها السلام به دست می‌دهد، باید گفت: آنچه سکوت در مقابلش جایز نیست، ظلمی است که از غصب فدک، آتش زدن در، لگد زدن به پهلو و سقط محسن علیه السلام، به مراتب بالاتر و مهم‌تر است. این ظلم بزرگ، دروغ و افترايي است که امروز به ساحت مقدس حضرت فاطمه علیها السلام بسته‌اند. می‌گویند: حضرت فاطمه علیها السلام در ماجرای فدک، به خاطر معیشت خود و فرزندان‌شان در مقابل ابوبکر ایستادند. واقعاً این سخن، یک ظلم فاحش، یک بی‌انصافی و یک دروغ بزرگ است که مدعیان پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کسانی که خود را طرفدار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند، به ساحت یک معصوم علیها السلام روا داشته‌اند.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۳ صفحه ۲۸.

حضرت فاطمه علیها السلام دارای مقام عصمت است. اهل سنت نیز در روایاتی که نقل کرده‌اند به این معنا اعتراف دارند. آیا با مقام عصمت سازگار است که حضرت زهرا علیها السلام به خاطر لقمه‌ای نان، پیش ابوبکر - العیاذ بالله - دست دراز کنند؟! سوره «هل أتی» در شأن چه کسانی نازل شد؟ فخر رازی در تفسیرش این روایت را آورده است: «حضرت امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه و حسنین علیهم السلام سه روز متوالی روزه می‌گیرند و هر روز افطار خود را به یتیم و اسیر و فقیر می‌دهند^(۱)». آیا امکان دارد این خانواده علیهم السلام با این اوصاف و این سلوک زندگی، به خاطر مسائل مادی در برابر ابوبکر بایستند و دست دراز کنند؟! هرگز...

هدف از مقاومت حضرت زهرا علیها السلام در مورد فدک

وقتی در مورد جریان فدک کمی تأمل می‌کنیم، بطلان ادعای فوق پیش از بیش روشن می‌شود. اساساً این حرکت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام (خطبه فدکیه) برای چند منظور و نکته بوده است:

الف - اعلام و هشدار برای مسلمانان به اینکه اگر کسانی که اکنون بر کرسی حکومت تکیه زده‌اند و مدعی امامت جامعه هستند و جای خلیفه حقیقی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را غصب کرده‌اند، آشکارا حق دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را زیر پا می‌گذارند، فردا با حقوق شما امت چه خواهند کرد؟!

ب - حضرت فاطمه علیها السلام می‌خواستند بگویند این افراد جاهل که حتی احکام اولیه را بلد نیستند و با گستاخی حدیث «نحن معاشر الأنبياء لا نورث» را جعل

۱. تفسیر فخر رازی، جلد ۳ صفحه ۲۲۴ و کشاف، جلد ۴ صفحه ۶۷۷.

می‌کنند، و حقوق دختر پیامبر ﷺ را پایمال می‌کنند، با بقیه احکام اسلام چه خواهند کرد؟!

به چند نمونه از جهل و بی‌سوادی خلفا در رابطه با احکام اسلام، اشاره می‌نماییم که خود مورخان اهل سنت نقل کرده‌اند:

۱. شخصی در همان روزهای اول بعد از شهادت پیامبر ﷺ به مسجد آمد و سؤال کرد: ای خلیفه! ارث جدّه (مادر بزرگ) چقدر است، اگر بچه‌اش مرده باشد؟ ابوبکر گفت: در کتاب خدا آیه‌ای در موردش نیست، در سنت هم چیزی نشنیده‌ام؛ بنابر این نمی‌دانم.

مغیره بن شعبه - که پای منبر نشسته بود - گفت: ای خلیفه! من از پیغمبر ﷺ شنیدم که فرمودند: ارث جدّه اینقدر است. ابوبکر به آن شخص گفت: پس بنابر حرف مغیره، ارث جدّه این مقدار است^(۱).

۲. شخصی جنب شده بود و آب برای غسل نیافته بود و نمی‌دانست چه کند، از خلیفه دوم مسئله را پرسید. عمر پاسخ داد: اگر آب نیافتی، نماز نخوان^(۲). حتی مسئله تیمم را - که ساده‌ترین مسلمان آن را می‌داند - بلد نبود.

هدف این اشخاص از تکیه زدن به مسند پیامبر ﷺ و غصب خلافت، تحریف نمودن قرآن و سنت پیامبر ﷺ و نابود کردن و از بین بردن مقاصد و اهدافی است که خداوند، آن اهداف را از بعثت انبیا ﷺ منظور کرده بود.

۱. از منابع اهل سنت: الموطأ، جلد ۲ صفحه ۵۱۳ و نیل الأوطار، جلد ۶ صفحه ۱۷۵.
 ۲. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۱ صفحه ۹۰ و صحیح مسلم، جلد ۴ صفحه ۶۱ و ۶۲ (برای اطلاع بیشتر از نادانی خلفا در مورد احکام دین به جلد ششم از کتاب ارزشمند الغدیر مراجعه فرمائید).

عایشه گفت: پدرم دستور داد، کتاب‌های حدیث را جمع کنم و بسوزانم. عمر و عثمان نیز چنین دستوری داده بودند^(۱).

حضرت فاطمه علیها السلام برای یک مزرعه (فدک) و یک لقمه نان، هیچ ارزشی قائل نبودند و این سیره تمام معصومین علیهم السلام و اولیای الهی است که ارزشی برای زرق و برق دنیا قائل نیستند. این معنا وقتی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم زمانی که مردم به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روی آوردند و حضرت علیه السلام خلافت را قبول نمودند، فدک را - که حق حضرت فاطمه علیها السلام بود - برنگرداندند.

اتمام حجّت حضرت زهرا علیها السلام

بنا به دستور رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در برابر تمام مصایب و سختی‌ها صبر پیشه کردند و حضرت زهرا علیها السلام نیز غم و اندوه را تحمل کردند و دم فرو بستند. اما سخن نهایی را به اولی و دومی گفتند و با آنان اتمام حجّت نمودند. روزی عمر و ابوبکر به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند: می‌خواهیم به عیادت دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برویم و از ایشان علیها السلام به جهت حوادث روی داده، پوزش بطلبیم. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پیغام آن دو را به حضرت زهرا علیها السلام رساندند. حضرت زهرا علیها السلام به ایشان علیها السلام فرمودند:

«البيت بيتك والحرّة زوجتك».

خانه، خانه شما و آزاده، همسر شما است.

در تمام مدّتی که عمر و ابوبکر احوال ایشان علیها السلام را جویا می‌شدند، حضرت

۱. ر. ک: سیری در آیات ولایت و امامت، جلد ۳ صفحه ۱۸۱.

زهرا علیها السلام رو به دیوار نمودند تا اینکه فرمودند: جواب نمی‌دهم مگر اینکه به پرسش من پاسخ بدهید. آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشنیدید که فرمودند:

« فاطمة علیها السلام بضعة مني فمن آذاها فقد آذاني ».

فاطمه علیها السلام پاره وجود من است؛ هر کس او را آزار دهد، مرا آزرده است؟

آن دو در پاسخ گفتند: آری!

در این هنگام حضرت زهرا علیها السلام دستان خود را به سوی آسمان بالا بردند و فرمودند:

« اللهم إتهما قد آذيانی ، فأنا أشكوهما إليك وإلى رسولك صلی الله علیه و آله و سلم ، لا والله لا أرضي عنكما أبداً حتى ألقى أبي رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم واخبره بما صنعتما بي ، فيكون هو الحاكم »^(۱).

بارالها! یقیناً این دو مرا آزرده‌اند، پس من نزد تو و رسولت صلی الله علیه و آله و سلم از آن دو شکایت می‌کنم. به خدا سوگند! هرگز از شما دو نفر راضی نیستم تا پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را ملاقات نمایم و از آنچه با من کردید، ایشان صلی الله علیه و آله و سلم را آگاه کنم تا ایشان صلی الله علیه و آله و سلم بین ما حاکم باشند.

بخاری در ادامه نقل می‌کند:

« فغضبت فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فهجرت أبابكر ، فلم تنزل مهاجرة حتى توفيت »^(۲).

۱. کتاب سلیم بن قیس، صفحه ۲۵۴، از منابع اهل سنت: الإمامة والسیاسة، جلد ۱ صفحه ۳۱.

۲. صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۴۲، مسند أحمد، جلد ۱ صفحه ۶.

فاطمه دختر رسول الله ﷺ خشمگین شد و تا هنگام وفات از ابوبکر روی برگردانید.

بنابر این حضرت فاطمه علیها السلام از آن دو خشمگین شدند و بنا به اعتراف اهل سنت، خشم حضرت زهرا علیها السلام برابر با خشم رسول خدا ﷺ و خشم خداوند است.

خداوند هم در قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ﴾^(۱).

و هر کس خشم من بر او فرود آید، به راستی نابود می‌شود.

پس کسی که مورد غضب حضرت فاطمه علیها السلام قرار گیرد، جایگاهش جهنم است؛ در نتیجه کسانی که غاصبانه بر جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تکیه زده بودند، اهل جهنم بودند.

تدفین حضرت زهرا علیها السلام

ابن عباس در رابطه با مراسم خاکسپاری حضرت زهرا علیها السلام می‌گوید:

« فقبضت فاطمة علیها السلام من یومها ، فار تجت المدينة بالبكاء من الرجال والنساء ودهش الناس کیوم قبض فيه رسول الله ﷺ ؛ فأقبل أبو بكر وعمر ، يعزّیان علیاً ویقولان له : یا أبا الحسن لاتسبقنا بالصلاة علی ابنة رسول الله ﷺ . فلما كان فی اللیل دعا علی علیه السلام ، العباس و الفضل والمقداد وسلمان وأبازر وعمار ... فلما أصبح الناس جعل

۱. سوره طه، آیه ۸۱.

أبو بكر وعمر والناس يريدون الصلاة على فاطمة عليها السلام. فقال المقداد:
لقد دفننا فاطمة عليها السلام البارحة» (۱).

آن روزی که حضرت زهرا عليها السلام از دنیا رفتند، همه مردم یکپارچه گریه می‌کردند. [آیا این مردم همان‌هایی نبودند که نشستند و تماشا کردند؟ گروهی مرد نما به خانه حضرت فاطمه عليها السلام رفتند و آن فاجعه را به بار آوردند. آیا این مردم همان کسانی نبودند که حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام یکی یکی به خانه‌هایشان می‌رفتند و آنها در جواب می‌گفتند: یا علی عليه السلام! ما قبلاً با کس دیگری پیمان بسته‌ایم؟] و زن و مرد مانند روز رحلت رسول الله صلى الله عليه وآله به وحشت افتاده بودند. پس ابوبکر آمدند تا به حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام تسلیت بگویند، به ایشان عليه السلام گفتند: مبادا قبل از ما بر فاطمه عليها السلام نماز بگذاری.

حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام دنبال ابن عباس، فضل، مقداد، سلمان، ابوذر و عمار فرستادند، آنان آمدند و در تجهیز زهرا عليها السلام به حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام کمک کردند. ابتدا حضرت عليه السلام داخل خانه و پشت پرده، حضرت فاطمه عليها السلام را غسل دادند. هنگام غسل بر ایشان عليه السلام چه گذشت؟ آیا دست ایشان عليه السلام آن لحظه‌ای که فریاد می‌زدند و گریه می‌کردند به بازوی حضرت فاطمه عليها السلام رسید یا در نور مهتاب آن چهره‌ای را که حضرت فاطمه عليها السلام از حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام می‌پوشاندند، دیدند یا دستشان به پهلوی حضرت زهرا عليها السلام رسید؟
سرانجام غسل تمام شد. نماز خواندند و حضرت فاطمه عليها السلام را دفن کردند.
صبح که فرا رسید ابو بکر، عمر و بقیه مردم آمدند تا بر پیکر حضرت

۱. کتاب سلیم بن قیس، صفحه ۲۵۵.

فاطمه علیها السلام نماز بخوانند، در راه مقداد را دیدند، گفتند: مقداد! کجا می‌روی؟ گفت: به خانه می‌روم. گفتند: مگر برای نماز حضرت فاطمه علیها السلام نمی‌روی؟ مقداد گفت: ایشان علیها السلام را دیشب دفن کردیم. نوشته‌اند عمر چنان سیلی محکمی به صورت مقداد زد که او در خون روی خاک می‌غلتید. مقداد برخاست و دستش را به دیوار گرفت و در حالی که گریه می‌کرد، خطاب به دومی و بقیه مردم گفت: اتفاقاً دیشب که حضرت فاطمه علیها السلام را غسل می‌دادیم و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گریه می‌کردند، هنوز از پهلوی حضرت زهرا علیها السلام خون جاری بود. گفتند: چرا؟ گفت: به خاطر غلاف شمشیری که به پهلوی ایشان علیها السلام خورده بود.

شاید مقداد، این جمله را هم گفته باشد: عمر! من از درد سیلی که تو به من زدی گریه نمی‌کنم، من گمان می‌کنم تو با همین دست به صورت حضرت فاطمه علیها السلام سیلی زده‌ای؟!

«صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أَبِيكَ وَعَلَىٰ بَعْلِكَ الْمَظْلُومِ وَعَلَىٰ ابْنَيْكَ». خداوندا! به حق صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها السلام قَسَمْتُ می‌دهیم، این پیوند و این عشق و ارادت را نسبت به صدیقه کبری و خاندان عصمت علیهم السلام، در دل‌ها و قلب‌های ما مشتعل بفرما. دست ما را از دامن ولای حضرت فاطمه علیها السلام در دنیا و آخرت کوتاه مفرما!

آنچه امشب می‌خواستم تذکر بدهم و این مقدمات را عرض کردم، برای این نکته بود که عزیزان! خیلی‌ها از بیرون و یک عده‌ای هم از داخل، بنا دارند چراغ محبت حضرت زهرا علیها السلام، در این دل‌ها خاموش شود و اصرار دارد در ایام فاطمیّه روضه خوانی نشود، اصرار دارند سیاه بندان نباشد، اصرار دارند در همه جا چهره

شهر عادی بماند؛ ولی شما مردم مؤمن، به خصوص شما عزیزان هیئتی و بزرگ‌ترهایی که امشب چهره آنها را مشاهده می‌کنم، ارادت خود را به حضرت فاطمه علیها السلام نشان داده‌اید و من در حضور همه، از شما تشکر می‌کنم. خداوند هم ان شاء الله قدم‌هایتان را بر صراط استوار گرداند. ان شاء الله این دو - سه روز، مخصوصاً فردا و پس فردا، همت کنید چهره کاشان فاطمی شود، چهره کاشان مثل عاشورا بشود، تا ان شاء الله خواست دشمن را زیر لگدهایمان قرار بدهیم و دل امام زمان سلام الله علیه را برای تکریم مقام مادرشان حضرت صدیقه شهیده علیها السلام شاد کنیم - ان شاء الله -. همه باید در این سوگواری فعالانه شرکت داشته باشیم، حتی اگر شده یک پرچم سیاه بالای در خانه و در مغازه بزنیم، ان شاء الله شهر را دگرگون کنیم تا حساب کار دست همه بیاید.

« صلی الله علیک یا بنت رسول الله وعلی أبیک وبعلمک وبنیک ورحمة الله وبرکاته »
« والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خودآزمایی

- ① حضرت امام زین العابدین علیه السلام و ابن عباس، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را چگونه معرفی و توصیف می‌کنند؟
- ② نخستین فردی که وارد بهشت می‌شود، کیست؟
- ③ حضرت زهرا علیها السلام چگونه و با چه تشریفات وارد صحرای محشر می‌شوند؟
- ④ عالم ملک و عالم ملکوت چه ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟
- ⑤ دادگاه الهی دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشد؟
- ⑥ سلوک مادی و معنوی حضرت صدیقه علیها السلام را توضیح دهید؟
- ⑦ سوره انسان در شأن چه کسانی نازل شد؟
- ⑧ به چه عللی حضرت زهرا علیها السلام در برابر خلفا و غصب فدک مقاومت کردند؟
- ⑨ به دو نمونه از موارد جهل و نادانی خلفا اشاره نمایید.
- ⑩ ابن عباس، کیفیت غسل و تدفین حضرت زهرا علیها السلام را چگونه توضیح می‌دهد؟
- ⑪ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برای تدفین حضرت زهرا علیها السلام چه کسانی را فرا خواندند؟
- ⑫ هنگامی که عمر از تدفین شبانه حضرت زهرا علیها السلام آگاه شد، چه واکنشی نشان داد؟

آنچه امشب می خواستم تذکرید هم و این
مقدمات را عرض کردم، برای این نکته بود که
عزیزان اخیلی ها از بیرون و یک عده ای هم از
داخل، بنادارند چراغ محبت حضرت زهرا علیها السلام،
در این دلها خاموش شود و اصرار دارد در ایام
فاطمیه روضه خوانی نشود، اصرار دارند سیاه
بندان نباشد، اصرار دارند در همه جا چهره شهر
عادی بماند؛ ولی شما مردم مؤمن، به خصوص
شما عزیزان هیئتی و بزرگ ترهایی که امشب چهره
آنهارا مشاهده می کنم، ارادت خود را به حضرت
فاطمه علیها السلام نشان داده اید و من در حضور همه، از
شما تشکر می کنم.

(صفحه ۳۳ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله بزرگوار رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir